



در باره "جنبش مطالباتی" زنان؛

لیست "مطالبات زنان" از حاج آقا روحانی

صفحه ۳

سیاوش دانشور



ستون اول،

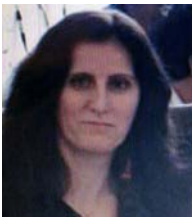
آذر ماجدی



پرستاران قربانی فقر، استثمار شدید و بی حرمتی

صفحه ۶

نوشین قادری



نگاهی به شرایط کار طاقت فرسای زنان در کردستان

صفحه ۸

چیمین دارابی



زن، در زندگی و مرگ:

از فردریک وست تا آنتونی کندی

صفحه ۱۱

منصور حکمت

قتل ناموسی در نروژ

کشته شدن زن پناهجوی افغانی و گم شدن دختر دو ساله اش

صفحه ۱۰

نوشین قادری

قتل ناموسی در
کردستان

ناموس پرستی در
کردستان عراق قربانی گرفت



تظاهرات روز یکشنبه به فراخوان جنبش "تمرد" که خواهان استعفای دولت مرسی و برگزار انتخابات جدید است انجام گرفت. بعلاوه، تاکنون اپوزیسیون ۲۲ میلیون امضاء علیه دولت محمد مرسی جمع آوری کرده است. تعداد وسیعی بدور کاخ ریاست جمهوری کمپ کرده اند. در این جنبش اعتراضی وسیع کلیه نیروهای اپوزیسیون شرکت دارند. ارتش یکشنبه شب به مرسی اولتیماتوم داد که اگر تا ۴۸ ساعت با نیروهای اپوزیسیون به دیالوگ ننشیند و "به حرف مردم گوش ندهد" رسماً مداخله خواهد کرد. یک سال پیش در این

صفحه ۲

آزادی زن معیار آزادی هر جامعه است!



فرمان آنست. مردم که متوجه شدند خیزش عظیمشان نه به آزادی و رفاه، بلکه بقدرت یابی ارتش انجامیده است، مبارزات خود را ادامه دادند. جنبش مردم در این دوره در پروسه رادیکالیزه شدن قرار داشت و قطب بندی سیاسی - اجتماعی در جامعه مشخصتر و عمیقتر شده است. این بار بورژوازی داخلی و قدرتهای غربی برای مقابله با مبارزات مردم و ممانعت از شکل گیری یک نیروی کارگری و کمونیستی سازمانیافته که کلیت نظام را نشانه می گیرد، انتخابات را سازمان دادند. در همان زمانی که ارتش اعلام کرده بود انتخابات را برگزار خواهد کرد، اعتراضات وسیعی علیه چگونگی و شیوه سازماندهی آن در جامعه جریان داشت. انتخابات بقدرت یابی جریان اسلامی انجامید. غرب، بویژه آمریکا کوشید که مرسی را بعنوان یک نیروی معتدل جا زند. وزیر خارجه وقت آمریکا، هیلاری کلینتون به مصر سفر کرد؛ اردوغان که یک سمبل دیگر "اسلام معتدل" معرفی می شد، از مرسی برای شرکت در کنگره حزب توسعه و عدالت دعوت کرد و در این مراسم کوشیده شده که سیمای یک "جنبش اسلامی متحد متفاوت" را برای منطقه تصویر کنند.

این نقشه های کثیف دولت های غربی و بورژوازی منطقه تاکنون نتوانسته به موفقیت دست یابد. دولت اردوغان اکنون بیش از یکماه است که با یک خیزش عظیم توده ای در ترکیه روبرو است. و عملاً الگوی "حکومت اسلام معتدل" طرفدار غرب و ادغام شده در سرمایه داری جهانی به گُل نشست. جنگ داخلی در سوریه به یک کابوس بزرگ برای مردم سوریه و منطقه بدل شده است. هزاران نفر در این جنگ داخلی میان دو نیروی ارتجاع، یکی حکومت بشار اسد با پشتیبانی رژیم اسلامی و حزب الله و دیگری ارتش باصطلاح آزاد سوریه با حمایت کامل دولتهای غربی و ارتجاع منطقه، دولت ترکیه، و لیگ عرب بجان مردم افتاده اند و یک سناریوی سیاه تمام عیار را در سوریه پیاده کرده اند. جنگ قدرت میان دو قطب تروریستی اسلامی و دولتی بسرکردگی آمریکا وارد یک فاز خونین تر گشته است. حکومت اخوان المسلمین در مصر قرار بود که یکی از بازیگران اصلی این جنگ قدرت بفتح تروریسم دولتی، دولتهای غربی و اسرائیل باشد، اما مبارزات مردم به آن مجال نداد. اکنون دولت مرسی نیز در یک قدمی سقوط قرار دارد.

بیش از دو سال است که منطقه خاورمیانه

میلیونها نفر در مصر علیه اسلامیستها بمیدان آمدند ...

تاریخ ائتلاف اسلامی بقدرت رسید و محمد مرسی بر صندلی ریاست جمهوری نشست.

از ژانویه ۲۰۱۱ جنبش اعتراضی مردم مصر اوج گرفت و تجمعات وسیع مردم بویژه در میدان التحریر قاهره و کمپ کردن در این میدان به سمبل خیزش توده ای در جهان بدل شد. جنبش اعتراضی مردم با خشونت وحشیانه نیروهای انتظامی روبرو شد و طی این اعتراضات تعداد زیادی از مردم بقتل رسیدند. پس از یک سال، با اوجگیری مبارزات توده ای و با مواجهه با جنبش اعتصابات کارگری، ارتش وارد میدان شد، حسنی مبارک را خلع کرد و دولت را بدست گرفت. اعتراضات مردم در مقابله با دولت نظامی ادامه یافت. تعداد بسیاری در این اعتراضات جان باختند، مجروح شدند، دستگیر و شکنجه گردیدند. بالاخره تحت فشار مبارزات مردم، دولت نظامی یک انتخابات برگزار کرد که در نتیجه آن اسلامیست ها اکثریت آراء را بدست آوردند. این انتخابات نیز نتوانست مبارزات مردم را خاموش کند و جنبش اعتراضی این بار علیه حکومت اسلامی ادامه یافت. طی یک سال گذشته دولت مرسی که در تلاش برای هر چه مستحکم تر کردن قدرت خود و جریان اسلامی اخوان المسلمین است در یک کشمکش دائمی با جنبش اعتراضی مردم بوده است. این مبارزات بشکل روزافزونی اوج گرفته است. در نوامبر ۲۰۱۲ مردم اعتراضات وسیعی را علیه مرسی که طی یک فرمان قصد داشت بسیاری از قدرت های اجرایی و قضایی را در دست خود متمرکز کند، سازمان دادند. بالاخره این جنبش اوج یابنده پس از یک سال موفق شد در روز یکشنبه میلیونها نفر را علیه دولت اسلامی، استبداد و خفقان حکومت اسلامی، اسلامیزه کردن روزافزون قوانین و مظاهر جامعه، تعمیق فقر و فلاکت و بیکاری به خیابانها بکشد. اما اینبار نیز ارتش در اوضاع مداخله کرده است. بخشی از اپوزیسیون که نیروهای بورژوازی طرفدار غرب هستند از اقدام ارتش استقبال کرده اند. اما برخی دیگر با نگرانی بسیار با این اقدام ارتش روبرو شده اند.

مردم چه می خواهند؟

مردم بطور خلاصه خواهان آزادی، برابری و رفاه هستند. این سه خواست پایه ای از ابتدای اوجگیری مبارزات مردم به انحاء مختلف بیان شده است: شعار آزادی بر پلاکارتهای نقش بسته است و وسعت آن چنان بوده که لغت عربی آزادی، "الحریته" عملاً برای بسیاری به یک لغت آشنا بدل شده است. مبارزه علیه فقر و فلاکت، بیکاری و دستمزدهای ناچیز یک خواست پایه ای و اساسی دیگر مردم است. مبارزه علیه تبعیض و ارتشاء حکومتی، چاپیدن های خانواده حسنی مبارک و کار بدستان مورد اعتراض گسترده مردم قرار داشت. با آغاز اعتصابات کارگری علیه حسنی مبارک، ارتش با چراغ سبز دولت آمریکا بفتح حفظ بنیادهای حکومت پا درمیانی کرد و مبارک را از قدرت خلع کرد. ارتش مصر حقوق بگیر دولت آمریکا و گوش

برابری کامل و بیقید و شرط زن و مرد!



میلیونها نفر در مصر علیه اسلامیستها بمیدان آمدند ...

و شمال آفریقا وارد یک تلاطم گسترده و عمیق اجتماعی - سیاسی شده است. مردم برای خواستهای پایه ای خویش آزادی، برابری و رفاه بپا خاسته اند. اما ارتجاع بورژوازی در منطقه و در سطح بین المللی در مقابل دستیابی مردم به خواستهایشان صف آرای کرده اند. از طریق مانیپولاسیون سیاسی و سرکوب خشن نظامی می کوشند مردم را عقب نشانند و جنبش اعتراضی آنها را خاموش سازند. اما تاکنون نتوانسته اند به هدف ارتجاعی خود دست یابند. در لیبی و سوریه با سازمان دادن جنگ داخلی این جوامع را به ویرانی کشانده اند و هزاران نفر به خاک افتاده اند. میلیون ها نفر بیخانمان و آواره شده اند. در مصر و تونس مردم علیه آلترناتیوهایی که در مقابلشان گذاشته شده به مبارزه ادامه داده اند. بویژه در مصر ما شاهد تعمیق مبارزات مردم هستیم. آتش این اعتراضات به ترکیه نیز رسید و مبارزه مردم علیه دولت اسلامی اردوغان در کمال حیرت دنیا همچنان پر خروش ادامه دارد.

باید در مصر در مقابل دولت اسلامی و ارتش هر دو صف آرای کرد. مردم باید در سازمانهای توده ای خویش متشکل و متحد شوند و به ارتش اجازه ندهند که بار دیگر در قالب یک دولت در جامعه حاکم شود. مساله اساسی اینجاست که خواستهای پایه ای مردم، آزادی، برابری و رفاه نمیتواند در چهارچوب یک جامعه سرمایه داری تحقق یابد. به یک نیروی کمونیستی کارگری متحد و متشکل برای واژگونی این نظام نیاز است. نیروهای آزادیخواه و برابری طلب، جنبش آزادی زن، کمونیستها و جریانات چپ باید در تحلیل نهایی صفوف خود را از اپوزیسیون ارتجاعی متمایز کنند. دنیا با هیجان و نگرانی رویدادهای مصر را دنبال می کند. همبستگی بین المللی وسیعی میان نیروهای آزادیخواه و برابری طلب بین المللی با جنبش آزادیخواهان مردم مصر شکل گرفته است.

اکنون بشریت متمدن و آزادیخواهی که جنبش ما از سال ۲۰۰۱ بر آن تاکید داشت بشکلی دفاکتو شکل گرفته است؛ از مصر و تونس تا ترکیه و یونان، از برزیل و شیلی تا آمریکا و اسپانیا مردم زحمتکش و کارگران و آزادیخواهان علیه نظم موجود بمیدان آمده اند و تحرکات یکدیگر را با دقت دنبال می کنند. هیچ وقت دنیا این چنین آماده سرنوشتی سرمایه داری و ایجاد یک جامعه آزاد و برابر نبوده است.*



آزادی زن

نشریه سازمان آزادی زن

www.azadizan.net

سرمدبیر: آذر ماجدی

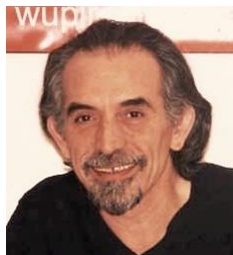
majedi.azar@gmail.com

هیئت تحریریه:

آذر ماجدی، مریم کوشا، سیاوش دانشور

اگر چه طبقه کارگر و نیروهای کمونیست هنوز قادر نشده اند متحد و سازمانیافته در مقابل آلترناتیوهای ارتجاعی بورژوازی قد برافرازند، اما نفرت از اسلامیت ها کاملا آشکار شده است. مقابله توده ای با جنبش اسلامی یک نقطه روشن و پیشروی جنبش های اعتراضی در منطقه است. این مبارزات عملا موجب تضعیف جنبش اسلامی و دریدن تمام ماسک فریبی است که بورژوازی بین المللی و منطقه می کوشید بر جنبش اسلامی بکشد؛ اینکه جنبش اسلامی دارای پایگاه توده ای در منطقه است. مبارزات مردم بویژه در مصر، تونس، ترکیه و ایران کاملا نشان داده است که اسلامیت ها یک وصله ناجور به پیکره جوامع اسلامزده منطقه اند. باید اسلامیت ها را عقب نشانند و حاشیه ای کرد. این یکی از دستاوردهای مهم این خیزش های توده ای است.

نه به حجاب، نه به آپارتاید جنسی!



در باره "جنبش مطالباتی" زنان؛

لیست "مطالبات زنان" از حاج آقا روحانی

سیاوش دانشپور

"مطالبات زنان از دولت جدید" سخن میگویند. بخشی از فعالین ملی اسلامی، کسانی که دم به دقیقه برای "طرح حقوق زنان" دست بدامن آیت الله های کپک زده میشدند، مجدداً از کومای سیاسی درآمدند و به "نگاه مثبت رئیس جمهوری منتخب برای ایجاد اصلاحات در حوزه زنان" امیدوارند. در قیاس با درک زنان در ایران از آزادی، البته امید این خانمهای اسلامی مثل سیاست شان محقر و واپسگرا است. زنان فعال وابسته به باندهای اسلامی "اصلاح طلب و اصولگرا" سیاست "طرح مستقیم مطالبات از رئیس جمهور جدید" را فعال کرده اند و فی الحال دو عریضه نامه خطاب به حاج آقا روحانی ضد زن صادر فرموده اند. مطالباتشان هم اینهاست: "اجرای اصول معطل مانده قانون اساسی درحوزه مسائل زنان، تهیه لوایح برای رفع هرگونه تبعیض از زنان در قوانین موجود، استفاده از توانمندیهای زنان در سطوح بالای مدیریتی، ارتقای امنیت انسانی و حقوقی زنان و توانمندسازی زنان در زمینه اقتصاد و افزایش نرخ اشتغال آنان."

در کنار این خانمهای وابسته به باندهای حکومتی، بخشی دیگر هستند که اساساً افق شان همین است اما خودشان را از "مطالبات حداقلی" طرح شده با "مطالبات حداکثری" متمایز میکنند. با این حال فعلاً گردن کج کرده اند و میگویند میتوان در مطالبات حداقلی همراه بود.

اگر فرضاً آخوندها بجای دکان صیغه و سازماندهی تن فروشی اسلامی و قمه کشی و فرمان تجاوز و قتل، "مدنیزه" شوند و کمک کنند تا نهضت مطالباتی به پیروزی برسد، چه اتفاقی می افتد؟ اول، اصول معطل مانده قانون اساسی ارتجاع ضد زن جاری میشود و نه اصول آزادیخواهی نفی هر

صفحه ۵

جامعه را رهبری کنند، موفق به تغییر قوانین بنفع توده مردم محروم نشده اند.

"جنبش مطالباتی" برای نیروهای متفرقه ملی اسلامی مفهومی در چهارچوب تعامل با حکومت اسلامی، و تلاشی برای کشیدن مسیر سیاسی جنبشهای حق طلبانه و آزادیخواهانه و انقلابی، بزیر پرچم ارتجاع اسلامی و قالب زدن اعتراض آنها در چهارچوبهای سیاسی رژیم اسلامی است. "جنبش مطالباتی" آلترناتیو جریانات ملی اسلامی برای تقابل با جنبش واقعی و اعتراضی و برابری طلبانه ای است که حکومت اسلامی نمیخواهد. "جنبش مطالباتی" عبارتی ظاهراً بی آزار است اما ماهیتاً سیاستی ارتجاعی و مخرب است. پشت مفهوم "جنبش مطالباتی" تبیین و خط مشی سیاسی دست راستی ای قرار دارد. خط مشی سیاسی ای که با عروج "مدینه النبی" خاتمی اعلام میکرد که "دوره تغییرات انقلابی و رادیکال بسر رسیده است" و دوره اصلاح طلبی اسلامی و کاسه گدائی بدست گرفتن در پشت حجره های دایناسور- آیت الله های اسلامی فرا رسیده است! این نوع تبلیغات اسلام زده را از بی بی سی و رسانه های غربی تا اپوزیسیون ملی اسلامی و "تنوریسین" های اصلاحات اسلامی می شنیدید.

دولت "اعتدال"

با شکست اصلاح طلبی حکومتی "جنبش مطالباتی" و "مطالبه محور" هم جایی گم و گور شد. اما با از صندوق درآوردن یک آخوند امنیتی و محافظه کار نوکر خامنه ای، بار دیگر سر و کله "جنبش مطالباتی" پیدا شده است. عده ای راه افتاده اند و از رسانه ها از

عنوان "جنبش مطالباتی" عبارتی فریبنده و ماهیتاً ارتجاعی است. این اصطلاح اساساً بر این تئوری سوار است که بخشهای مختلف جامعه که تحت ستم و انقیاد قرار دارند، برای رفع ستم و تبعیض موجود باید به روشهای معینی تکیه کنند و از روشهای معین دیگری اجتناب کنند. این چهارچوب اثباتاً میگوید که تقابل با حکومت از پائین "غیر مدنی" است و جنبشهای "مدنی" (اسم دو خردادی جنبشهای اعتراضی) باید به "روشهای مدنی" و از جمله بردن عرض حال به حکومت بانی ستم و تبعیض و نابرابری متکی شوند. "جنبش مطالباتی" و یا "جنبش مطالبه محور" مفهومی دو خردادی و پرو رژیم است که جنبش ملی اسلامی و ملی مذهبی ها از جمله در مضحکه انتخابات دوره قبل بیش از هر زمانی پرچم آنرا در خدمت پیروزی "اسلام رحمانی و بازگشت به دوره خمینی" برافراشتند.

کمونیستهای کارگری، فعالین جنبش آزادی زن و انقلابیون همواره تاکید کرده اند که ما و طبقه کارگر، ما و زنان مخالف آپارتاید جنسی، ما و نسل ضد دین، ما و مردم سرنگونی طلب "مطالبه ای" از حکومت اسلامی نداریم. ما حقوق مان را میخواهیم و آنرا با مبارزه و اعمال فشار از پائین و قدرت نیروی متحدان متحقق میکنیم. ما فعالین جنبش برای آزادی جامعه هستیم و آزادی جامعه تنها توسط کسانی میتواند متحقق شود که در آزادی ذینفعند. هیچ کجا آزادی و حق در تاریخ مکتوب بشر با بردن عرض حال خدمت سرکوب کنندگان آزادی و منادیان و مسببان بیحقوقی و استبداد و تبعیض استیفا نشده است. حتی رفرمیستهای که برای بهبود حقوق بخشهای مختلف مردم در چهارچوب همین نظام موجود سرمایه داری مبارزه میکنند، مادام که نتوانسته اند جنبشی از پائین برای احقاق حق در مقیاس

برابری کامل حقوق و موقعیت قانونی زن و مرد در خانواده!

در باره "جنبش مطالباتی" زنان؛

لیست "مطالبات زنان" از حاج آقا روحانی ...

رژیم اسلامی است و یا یک شارلاتان سیاسی و موثلف مرتجعین ضد زن است. این تلاشهای ارتجاعی از نظر زنان در ایران بیهوده و پوچ است و ربطی به منافع اکثریت عظیم زنان در ایران ندارد. این تلاشهای دست راستی اگر "فایده" ای داشته باشد، تنها اینست که این خانمهای "معطل" کسب مدیریت اسلامی به نان و نوانی برسند. اجرای بندهای "معطل مانده" قانون اساسی اسم رمز اینست که لطفاً به "معطلی ما برای کسب مدیریت در سطح بالای حکومتی" پایان دهید!

ارتجاع ضد زن تاریخاً جنسیت نداشته است. ارتجاع همواره بخشی از مدافعینش را از میان قربانیانش گرفته است. در اینمورد معین سردمداران "جنبش مطالباتی" دنبال جذب نیرو در میان زنان بنفع نظام اسلامی اند.

آزادی زن و تحقق هر درجه از حقوق بدیهی و پایمال شده زنان بدواً از طریق نفی حکومتی درمی آید که تقابل با زنان را به بارومتر سیاسی در آن جامعه تبدیل کرده است. آزادی زن و اسلام و آخوند در مقابل هم و در تضادی آشتی ناپذیر قرار دارند.*

فمینیستی از موضع انتقاد اجتماعی جنبش آزادی زن پیشیزی ارزش ندارد. کسی که تصورش اینست که زنان بعد از ۳۴ سال سرکوب خشن اسلامی و مقاومت جانانه و تعطیل ناپذیر در مقابل قوانین اسلامی، با فراخوان این خانمهای مرتجع دست بدامن آخوندها میشوند، باید در سلامت روانی و عقلی اش شک کرد. کسی که فکر میکند میتواند جنبش متعرض زنان را با این دیدگاههای واپسگرا، خانه نشین و چشم انتظار تلاشهای "مدنی" خانمهای مدیر در سطوح بالای حکومتی کند، یا جنبش آزادی زن در ایران را نشناخته است و یا یک دشمن قسم خورده آزادی زن در ایران است. کسی که فکر میکند زنان و نسل جدید با آخوند و اسلام کنار می آیند و حال و آینده شان را در سیمای یک آخوند مرتجع و مطیع خامنه ای و نظام اسلامی جستجو میکنند، یا مثل همین خانمها پرووکاتور

نوع تبعیض و ستم جنسی. دوم، لایحه ای شبیه کنوانسیون رفع تبعیض از زنان را حاج آقا روحانی انگشت میزند. سوم، این از همه اساسی تر است و آن اینست که تعدادی خانم در سطح بالای مدیریتی همراه با برادران مذکرشان دسته جمعی سکاتر آپارتمان جنسی و اسلامی ضد زن میشوند.

اما اینها اگرچه به منافع عینی و مادی طیف زنان اسلامی و حکومتی ربط دارد، اما به زنان در ایران مطلقاً ربط ندارد. همین خانمهای اسلام و آخوند زده را زنان آزادیخواه هیچ جا راه نمیدهند تا چه رسد "نمایندگی سیاسی" شان را به آنها تفویض کنند. این تناقض مهلک را باید با جار و جنجال، به ضرب بوق و کرنای رسانه ها، با جلوه داده خود بعنوان "نماینده خودگمارده زنان" پوشاند.

جنبش آزادی زن چه میگوید؟
این نمایش مضحک اسلامی- آخوندی -

زن و سرمایه داری

نفس ستمکشی و فرودستی زن اختراع سرمایه داری نیست. اما سرمایه داری این میراث نفرت انگیز تاریخ پیشین را تکامل بخشیده و به یک رکن مناسبات اقتصادی و اجتماعی معاصر بدل کرده است. ریشه نابرابری و بی حقوقی امروز زن، نه در افکار کهنه و میراث فکری و فرهنگی نظام ها و جوامع منقرض شده و پیامبران و مذاهب عصر جاهلیت، بلکه در جامعه سرمایه داری صنعتی و مدرن امروز نهفته است. نظامی که به تقسیم جنسی انسان ها در قلمرو تولید به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی در تضمین سودآوری سرمایه مینگرد. ایجاد انعطاف پذیری نیروی کار در اشتغال و اخراج، ایجاد شکاف و رقابت و کشمکش درونی در اردوی مردم کارگر، تضمین وجود بخش های محروم تر در خود طبقه کارگر که پانین نگاهداشتن سطح زندگی کل طبقه را مقدور میسازد و بالاخره مخدوش کردن خودآگاهی انسانی و طبقاتی بشریت کارگر و دوام بخشیدن به آراء و افکار و تعصبات کهنه و پوسیده و فلج کننده، برکات ستمکشی زن برای سرمایه داری مدرن معاصر و از ارکان انباشت سرمایه در دنیای امروز است. اعم از اینکه سرمایه داری ذاتاً و بطور کلی با برابری زن خوانایی داشته باشد یا خیر، سرمایه داری انتهای قرن بیستم بطور مشخص خود را بر این نابرابری بنا کرده است و به سادگی و بدون مقاومت سرسختانه و قهرآمیز از آن عقب نمی نشیند.

مزد برابر در ازاء کار مشابه برای زنان و مردان!



اگر وسیله ای در بخش مفقود یا خراب شود باز هم پرستاران آن بخش موظف به تعمیر یا خرید آن هستند. حتی اگر بیماری به دلیل نداشتن هزینه بیمارستان فرار کند، اتفاقی که بوفور رخ می دهد، باز تامین هزینه درمان بیمار گریخته بعهدہ کارکنان بخش است. نه تنها باید هزینه را تقبل کنند، بلکه مورد بازخواست و توبیخ هم قرار می گیرند. این پرستاران بخت برگشته نمی دانند که پرستاران یا نگهبان!

علاوه بر استثمار شدید پرستاران توسط شرکت‌های خصوصی درمانی، بیمارستانها نیز پرستاران را مورد استثمار و سو استفاده قرار می دهند. برای مثال بکار گرفتن پرستاران هر بخش در سایر بخشها بصورت ذخیره و یا تحمیل شیفتهای کاری طولانی تر از ساعات کاری که اداره کار رژیم تعیین کرده و شرکت کارفرمای پرستار نیز اعلام نموده که بیش از آن دستمزدی به پرستار پرداخت نخواهد کرد. رسماً از پرستاران بیگاری می کشند. این زور گویی ها و تحمیل بیگاری بیشتر گریبان پرستاران زن را میگیرد. زنان پرستار که اکثریت پرستاران را تشکیل می دهند مورد استثمار و زورگویی زائدالوصفی قرار دارند. اما ترس از بیکاری باعث می شود که دم نزنند. حقوق و مزایای این پرستاران با وجود اینکه مثل پرستاران مرد لیسانس هستند و در ترازنامه اداره کار رژیم در رده ۱۴ و ۱۵ قرار دارند ۳۳۰ هزار تومان است. طبق قانون سقف اضافه کاری ۵۰ ساعت است. و از حق شیفت کاری و شب کاری عموماً خبری نیست و تنها اضافه

صفحه ۷

پرستاران

قربانی فقر، استثمار شدید و بی حرمتی

نوشین قادری

آگاهی، تجربه و مدرک تحصیلی مربوط به رشته های پزشکی و درمانی هستند. شرکت‌های خصوصی خدمات درمانی از طریق برنده شدن در مناقصات بخشهای بیمارستانی، اورژانس ها و کلینیک ها نیروی انسانی بخش پزشکی و درمانی از جمله پرستاران، بعضاً پزشکان، کاردان و کارشناس بیهوشی و کاردان فوریت‌های پزشکی و غیره را تامین می کنند. این وضعیت شرایط کار پرستاران را بسیار سختتر می کند. می توان گفت که فقدان نظارت وزارت علوم پزشکی بر امنیت شغلی و سطح حقوق پرستاران تأثیرات منفی دارد. آنان به صورت "شرکتی" شروع به کار می کنند. این حتی از شرایط کار پیمانی و قراردادی ناامن تر و فقیرانه تر است. پرستاران با قراردادهای یک ساله، شش ماهه و حتی ۸۹ روزه استخدام می شوند و مجبور به سپردن سفته های ۵ ، ۱۰ و ۲۰ میلیون تومانی به شرکت مزبور هستند. میزان سفته به نسبت بخشی که در آن کار می کنند تعیین می شود. شرم آور است، اما پرستارانی که در بخشهای اورژانس و با آمبولانس کار می کنند، علاوه بر سفته برای شرکت، باید سفته ای به مبلغ ۱۰ تا ۲۰ میلیون تومان نیز برای آمبولانس هایی که در بخش اورژانس تحویلشان داده میشود به شرکت بسپارند. یکی از شرایط کار پرستاران در این قسمت داشتن گواهینامه رانندگی است تا باین ترتیب شرکت ها هزینه استخدام راننده را بجیب بزنند.

این پرستاران هم وظیفه پرستاری و هم رانندگی را بعهدہ دارند. در صورت تصادف و یا خرابی آمبولانس پرداخت هزینه آمبولانس بعهدہ پرستار- راننده است. این شرایط در قراردادهای قید می شود.

حرفه پرستاری یکی از شاقترین، کم درآمد ترین و بیحقوقترین حرفه ها تحت رژیم اسلامی است. پرستاران در ایران مانند کل کارگران از هیچ امنیت شغلی برخوردار نیستند و حقوقشان زیر خط فقر است. پرستاری در جهان بعد از کار معدن دومین رده را از لحاظ سختی کار داراست. پرستاران همیشه در هراس از بیکاری و در شرایط بسیار سخت معیشتی زندگی می کنند. علیرغم این ترس دائمی و فشار کار و زندگی مشقت بار باید روحیه کاری خود را نیز به دلیل حساسیت شغلی حفظ کنند. این شرایط سخت شامل هم زن و هم مرد پرستار می شود. اما زنان پرستار با مسایل، مشکلات و محدودیت های بیشتری دست بگریبانند.

در جامعه ای که تحت یک رژیم زن ستیز اسیر است و زن در آن شهروند درجه دوم هم به حساب نمی آید، در جامعه ای که زنان بخاطر جنسیتشان از حقوق بسیاری محرومند و در ازای کار مشابه دستمزد بسیار کمتری دریافت می کنند، در جامعه ای که بخاطر قوانین اسلامی محدودیت های اجتماعی و فردی بسیاری بر زنان تحمیل می شود، زنان پرستار وضعیت بسیار اسفناک تری دارند.

نقش پرستاران در سیستم پزشکی بسیار مهم و خطیر است. تحت رژیم اسلامی از پرستاران انتظارات کاری بسیار فراتری از وظایف معمول پرستاری طلب می شود. سازمان علوم پزشکی رژیم هیچ نظارتی بر شرایط کار پرستاران ندارد. طی سالهای اخیر بسیاری از پرستاران توسط شرکت‌های خصوصی استخدام می شوند. سالانه فقط تعداد معدودی به صورت رسمی استخدام می گردند. برای استخدام رسمی باید از هفت خوان رستم عبور کرد و پارتی بازی نقش مهمی در این رابطه دارد. صاحبان شرکت‌هایی که مراکز درمانی از طریق آنان پرستارها را بکار می گیرند، فاقد هر گونه

اسلام ضد زن است!

شوی. پیجت میکنند که خانم فلانی به حراست مراجعه کند. اول مدتی طولانی پشت در اتاق نگهت می دارند. سپس آقای حراستی با چشمان دریده نگاهت می کند و میگوید بیا داخل و وقتی وارد اتاق میشوی با همان چشمان دریده اول سین جینت میکند که مثلا دیشب با آقای فلانی توی استیشن حرف زدی چی گفتی و بعد یک تویبخ نامه، بعضا همراه با شماره تلفن دستی اش تحویل پرستار میدهد.

علیرغم این شرایط مشقت بار، حقوق ناچیز، ساعات کار طولانی و تحقیری که مدام باید تحمل کنند، پرستاران از بیماران مراقبت می کنند و در حد توان به بیماران می رسند. سازماندهی پرستاران در شوراهای پرستاری، تشکیل مجامع عمومی برای بهبود شرایط کار و افزایش دستمزد و دفاع از حرمت پرستاران باید در دستور کار فعالین این حرفه قرار گیرد. تک تک پرستاران مانند طبقه کارگر، مردم محروم و زحمتکش، زنان تحت ستم و انسانهای آزادیخواه و برابری طلب در سرنگونی رژیم اسلامی و استقرار یک نظامی که مبتنی بر تضمین آزادی و برابری تمام شهروندان است کاملا دینفعند.*

پرستاران

قربانی فقر، استثمار شدید و بی حرمتی ...

که پرستاران در آخر عطای پاسخگویی را به لقایش می بخشند. از پرستاران انتظار می رود که در هر زمینه ای مطلع باشند. در بیمارستان بدون هیچ کنترل کیفیت کار و ایمنی بیمار وظایفی که خارج از توانایی و تجربه یک پرستار است به او سپرده می شود. علاوه بر تمام این مشکلات و محدودیتها، حراست که هم هر روز به بهانه ای مزاحم پرستاران می شود: «امروز در بخش صدای خنده ات می آمد و لباس نامناسب بود؛ روپوش تنگ بود و حجابت نامناسب» و فس علیهذا. هر روز به بهانه ای سر حجاب و عفاف پرستار را به حراست خوانده و تویبخ و کسر حقوق میکنند و او را مورد تحقیر قرار می دهند. شیفت عصر و شب تمام میشود و با خستگی مفرط شیفت را تحویل میدهی تا به خانه برگردی، آنوقت اسیر حراست می

کاری زیر ۵۰ ساعت برای پرستاران محسوب می شود. پرستاران از مزایای دیگر مثل بن یا مرخصی و غیره محرومند. زمانی می توانند از مرخصی استفاده کنند که خود نیروی جایگزین معرفی کنند و مورد تأیید قرار گیرد. پس از عبور از این هفت خان رستم می توانند به مرخصی بدون حقوق بروند. پرستاران زن حتی از لحاظ بیمه، حق اولاد، مسکن و غیره نیز مورد تعرض قرار دارند. زیرا طبق قانون کار اگر دو نفر کار کنند فقط به یکی از زوجین این مزایا تعلق می گیرد و از آنجا که طبق قانون مرد سرپرست خانواده است، زنان از این بخش از حقوق محروم می شوند.

شرکتهای خصوصی درمانی با پرستاران باردار قرارداد نمی بندند. در صورتی که به کار آنها نیاز باشد، از آنها تعهد محضری با سفته و ضامن می گیرند که بعد از مرخصی زایمان مدعی بازگشت به کار نشوند و در طول مرخصی دوران زایمان نیز، با این استدلال که حقوق به نیروی جایگزین پرداخت می شود، از حقوق بی بهره اند. اگر مزایایی شامل این دسته از پرستاران شود، شرکت مزبور آنرا به جیب می زند.

حقوقها دیر پرداخت میشود. از حقوق دو سه ماه یک بار هم خبری نیست. این شرکتهای اکثرا حاضر به استخدام پرستار مرد نیستند. عموما پرستار زن استخدام می کنند، زیرا پرستاران زن برای آنها ارزانتر تمام می شود و علاوه بر استثمار شدیدتر زورگویی های بیشتری نیز به زنان پرستار تحمیل می کنند.

وقتی پرستاران مشکلات مادی و شرکتی را به بیمارستان اطلاع می دهند، بیمارستان و شرکت کارفرما آنها را مثل توپ پاسکاری می کنند؛ بیمارستان آنها را به شرکت و شرکت هم به بیمارستان پاس می دهد. این شرایط آنچنان پر مشقت و بی حاصل است



برنامه ای از آنر ماجدی Medusa TV

تلویزیون مدوسا

برنامه ای از آنر ماجدی

روزهای پنجشنبه از

ساعت ۲ تا ۳ بعدازظهر به وقت اروپای

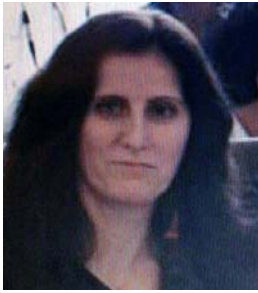
مرکزی

کانال: KMTV مگاهرتز: 11642 سیمبل ریت: 27500

Medusa TV

به دوستانتان اطلاع دهید!

تبعیض بر اساس جنسیت یک منشا سود سرمایه است!



نگاهی به شرایط کار طاقت فرسای زنان در کردستان

چیمه دارابی

مطلق کارگر در برابر پایمال شدن حقوقش استوار است، وضعیت کارگران زن به مراتب از کارگران مرد بدتر است. در حالی که به موجب قانون کار، زنان از انجام مشاغل طاقت فرسا و خطرناک معاف هستند، در استان کردستان به دلیل اوضاع نامناسب اقتصادی، کارگران زن چه در "کارگاه های زنانه" و چه در "محیط های مردانه" مجبور به انجام هر کاری هستند. وی ادامه داد در واحدهای تولیدی این استان شرایط کار برای کارگران زن به حدی طاقت فرسا است که حتی ممکن است این کارگران از حقوق مادرانه‌ی خود در ایام بار داری، زایمان و شیردهی محروم شوند. این کارگران در بهترین حالت با منت کارفرما درآمد ناچیزی دریافت میکنند.

می کنند، یا بعنوان مستخدم خانگی مشغول کارند و یا بعنوان دستفروش دوره گرد. آنها اغلب بیش از ده، دوازده و بعضا پانزده ساعت کار می کنند و از حقوق اجتماعی کار و بیمه درمانی یا بیکاری محرومند. این زنان زحمتکش مجبورند در شمال طول بارداری و با داشتن بچه شیرخوار هم به کار ادامه دهند. بعلت فقر و نداری و برای تامین یک زندگی بخور و نمیر برای خود و خانواده شان باید به این شرایط شاق تن دهند. برخی از این زنان در محیط کار مورد اذیت و آزار جنسی واقع می شوند. کارگران در کارگاه های کوچک شامل قانون کار ضد کارگری هم نیستند. وضع اینقدر خراب است که مسئولین دولت هم صدایشان درآمده است. یکی از مسئولین کانون شورای کار استان کردستان در رابطه با کار زنان کارگر گفته است: "بیشتر کارگران زن که در کارگاه های این استان مشغول کاراند از ابتدایی ترین حقوق قانونی خود محرومند؛ وی افزود در شرایط امروز که اصل بر سکوت

کارگران زن در کردستان از ابتدایی ترین حقوق قانونی محرومند. اکثر زنان در کردستان، مانند اکثریت عظیم زنان در دنیا، دارای دو شغل هستند؛ یکی کار در خانه و دیگری کار در بیرون خانه در قبال دریافت دستمزد. قبل از اینکه به کار زنان در بیرون خانه بپردازم کمی به کار آنها در خانه اشاره میکنم. کار زنان زحمتکش در خانه بسیار شاق است و تمامی ندارد: بچه داری، شستن، پختن، تمیز کردن، دادن خدمات به همسر و قس علیهذا. از صبح زود تا شب دیر وقت مشغولند و یک لحظه استراحت ندارند. اما کار خانگی زنان در جامعه هیچ ارج و غریبی ندارد. بعضا افراد خانواده به زنان بعنوان سربار نگاه میکنند.

کار زنان در بیرون خانه نیز از ارزش کمتری نسبت به کار مردان برخوردار است؛ دستمزد آنها پایین تر است و از همان خرده حقوقی که مردان کارگر از آن برخوردارند، زنان کارگر محرومند. زنان کارگر و زحمتکش یا در کارگاه ها کار



"زن در زندگی و مرگ"

دنیا میری، قربانی دیگر قتل ناموسی

دنیا میری فقط ۲۰ سال داشت و در شهر کرمانشاه دانشجو بود. دنیا در روز سه شنبه چهارم تیر ماه بعد از شکنجه فراوان توسط خانواده اش به قتل رسید.

گزارش پزشکی قانونی اظهار داشته است که دنیا بدلیل اصابت جسم سنگین بر سرش و خونریزی مغزی جان سپرده است. در این گزارش به آثار شکنجه، کبودی بدن و شکستگی جمجمه اشاره شده است.

دنیا قربانی جهالت و تعصباتی شد که اسلام و رژیم اسلامی هر روز به آن دامن میزند و فوج فوج جنایت می آفریند. دولت و قانون و سنت و عرف در کنار این جهالت و علیه قربانیان است. این جهالت ضد زن، مستقل از اینکه مجری آن دولت است یا بخش خصوصی، ریشه در یک گنداب اسلامی و ضد زن و مردسالارانه دارد که باید جامعه را از وجود آن مصون داشت.

آزادی زن

تقابل با اسلام سیاسی یک جبهه مهم جنبش آزادی زن است!

مردان با هیچ مجازاتی روبرو نخواهند شد زیرا قانون از چنین قتل‌هایی حمایت می‌کند.

قتلهای ناموسی فقط در کردستان رح نمی‌دهند. در مناطق دیگر ایران یا هر گوشه‌ای از جهان که سنتهای عقب مانده ارتجاعی زن ستیز در آن حاکم است، بویژه در محیط‌های اسلامزده چنین وقایع هولناکی پدیده رایجی است. رژیم اسلامی از روزی که بقدرت رسید، قوانینی بشدت زن ستیز را بر کشور حاکم کرد و سنن عقب مانده و ارتجاعی را در جامعه رواج داد. زنان و دختران در میان اولین قربانیان این نظام زن ستیز اسلامی هستند. علاوه بر رژیم اسلامی، در کردستان ناسیونالیسم کرد در دامن زدن به این سنن و ارزشهای عقب مانده زن ستیز نقشی تعیین کننده دارد.

قتل ناموسی در کردستان

چیمین دارابی

شد. طبق گفته مردم روستا ثویبه دو ازدواج اجباری و ناموفق بدون عشق و علاقه داشته است. روز دوشنبه سوم تیرماه ثویبه با مرد مورد علاقه‌اش فرار میکند. بعد از چندی سرگردانی یک شب بردارانش رد ثویبه را گرفته و یکی از آنها با ضربات چاقو او را از پا در می آورد و پس از بازگشت به روستا باغرو و افتخار قتل ثویبه را به مردم روستا اطلاع می‌دهد.

چهار بردار و همسر ثویبه دستگیر شده اند، اما مردم روستا می‌گویند که این

ناموس و غیرت مسبب جنایات بسیار طی تاریخ بوده اند. این دو واژه در توضیح خشونت و قتل‌های بسیار به ثبت رسیده اند. زنان فراوانی بدلیل حاکمیت سنن عقب مانده ارتجاعی و اسلام در خون در غلطیده اند و کسی به فریادشان نرسیده است. هنوز یک سال نشده که چهار زن در منطقه مریوان بدست فرد یا افرادی از خانواده به فجیعترین وضع بقتل رسیده اند.

زنی ۳۴ ساله، دارای سه فرزند، بنام ثویبه قادری اهل روستای شای یر توابع کوماسی شهر مریوان قربانی قتل ناموسی



ناموس پرستی اسلامی در کردستان عراق قربانی گرفت

نوشین قادری

زهره، یک زن معلم بسیار محبوب در میان شاگردان و همکاران، در شهر چمچمال کردستان عراق بدست شوهرش بقتل رسید. زهره در ساعت یک بامداد در توالت منزلش به شکل فجیعی با سلاح گرم کشته شد. گزارش شده است که زهره برای جلوگیری از اصابت گلوله به سر و صورتش، دستان خود را سپر قرار داده است که بر اثر اصابت گلوله چند انگشت او قطع شده است.*

تلویزیون آزادی زن

هر یکشنبه ساعت 17.30 بوقت تهران از شبکه هات برد

مگاهرتز: 11642 سیمبل ریت: 27500

کانال: KMTV

به دوستانتان اطلاع دهید!

حکومت ضد زن سرنگون، سرنگون!

همراه مردی که احتمال می‌رود پدر او باشد در کپنهاگ دیده شده است. پلیس نروژ شوهر این زن را مظنون اصلی این قتل میدانند. از آنجائیکه که شوهر این زن مقیم نروژ نیست، پلیس هیچ اطلاعاتی در مورد او ندارد و جستجو برای یافتن او با همکاری پلیس کشورهای دیگر در جریان است.

هفته گذشته جسد یک زن پناهجو که اهل کردستان ایران بود در شهر فردریک استات پیدا شد. تقاضای پناهندگی این پناهجو از طرف اداره مهاجرت نروژ رد شده بود و به شکل غیر قانونی در این کشور زندگی میکرد. تاکنون کسی در رابطه با قتل این پناهجو دستگیر نشده است.

در هفت سال گذشته بیش از ۱۰۰ پناهجو از کشورهای مختلف در نروژ به قتل رسیده اند که دهها تن از آنها مهاجرین افغانستانی اند و فقط تعداد معدودی از کسانی که در این قتلها دست داشته اند تاکنون دستگیر شده اند.*

قتل ناموسی در نروژ

کشته شدن زن پناهجوی افغانی و گم شدن دختر دو ساله اش

نوشین قادری

دخترش به نروژ آمده و تقاضای پناهندگی کرده بود.

بر اساس اطلاعات پلیس نروژ، همسر مقتول ساعت ۸ و ۳۸ دقیقه روز چهارشنبه در شهر "گیرو" سوار قطار اسلو شده است. پلیس همچنان گفته است که این مرد ساعت ۹ و نیم به اسلو رسیده و پس از یک ساعت توقف در آنجا، با اتوبوس به سوی گوتنبرگ سوئد رفته است.

تاکنون از سرنوشت دختر دوساله خبری در دست نیست. اما طبق اطلاعاتی که پلیس به رسانه ها داده این دختر خرد سال

روز چهارشنبه ۱۲ ژوئن یک زن پناهجو افغانستانی در نروژ بقتل رسید و دختر دو ساله اش ربوده شد. گزارش این قتل در سایت پناهندگان منتشر شده است. جسد این زن که برای دیدن دوستانش رفته بود در خانه ای در شهرک "لیونار" «گیرو» پیدا شد. این زن در کمپ پناهندگان "لونگدال" زندگی می کرد و برای دیدن دوستانش به شهر گیرو رفته بود. این زن در تاریخ ۳۰ مارس امسال همراه با دختر دو ساله اش از نروژ تقاضای پناهندگی کرده بود. این مادر و دختر یکبار همراه همسر زن از افغانستان به صورت قاچاقی به اروپا آمده بودند اما در مسیر راه به دلایلی از هم جدا شده بودند. پس از آن، این زن همراه با



هاله خضری

مادر دو فرزند



سومین قتل ناموسی در نروژ

نوشین قادری

باز هم توحش و سنت های ارتجاعی و عقب مانده شنیع مردسالاری قربانی گرفت و این بار در نروژ. این دومین قتل ناموسی است که در هفته های گذشته بعد از قتل زن پناهجوی افغانستانی در نروژ اتفاق افتاده است.

طبق گزارشات منتشر شده، روز سوم تیر زنی به نام هاله خضری توسط همسرش به قتل رسید. هاله مادر دو فرزند، یک دختر و یک پسر، بود و از ده سال قبل به همراه همسرش در نروژ زندگی می کرد. گفته می شود که هاله از همسر خود درخواست طلاق کرده بود و باحتمال قوی به همین دلیل به قتل رسیده است. هاله یکی دیگر از هزاران قربانی زن سنتیزی و سنن عقب مانده عشیرتی و اسلامی است. سنتی که هر روزه در کشورهای اسلامزده جنایت می آفرینند، اما در بیرون مرزهای این کشورها، در جوامعی که به یمن مبارزات وسیع اجتماعی طی بیش از یک قرن زن سنتیزی به مصاف طلبیده شده و بروزات شنیع آن تلطیف شده است نیز کماکان قتل و جنایت می آفریند.*

حجاب پرچم آپارتاید اسلامی است!



زن، در زندگی و مرگ:

از فردریک وست تا آنتونی کندی

منصور حکمت

شوق میگوید "تنها وقتی در خدمت کلیسا برابر باشیم میتوان گفت که در پیشگاه خداوند برابریم". آنچه مسلم است اینست که در ظرف چند ماه آینده حدود هزار و دویست کشیش زن هم در انگلستان خواهیم داشت که کنار همقطاران مذکرشان بر منابر، آموزش کهنه و مردسالارانه مذهب درباره زن و جایگاه ویژه او در پیشگاه خداوند را، که ترجمه الهی جایگاه ویژه او زیر لگد جامعه مردسالار است، به خورد مردم بدهند.

با همه ربطی که این موضوع به بحث ما دارد، باید بهرحال اینجا از آن بگذریم، چون منظور معرفی جناب کندی است.

ایشان نظیر بسیاری از کشیشان نر در کلیسای انگلستان، که بعضا حتی از سر انزجار به آغوش کلیسای رم برگشتند، از این تحول خشمگین است. میگوید:

"کشیشان زن باید بر دار سوزانده شوند، زیرا به قدرتی دست میبرند که هیچ حقی بر آن ندارند. در قرون وسطی نام این سحر و جادو بود. تنها راه مقابله با ساحره ها اینست که بر دار سوزانده شوند"

"انجیل در این مورد کاملا روشن است. مردان و زنان از نظر بیولوژیکی تفاوت دارند. ما هرگز نمیتوانیم مانند هم باشیم. نمیتوانم تصور کنم که یک زن چگونه میتواند تجسم مسیح باشد، جراحی علاج کار نیست."

صفحه ۱۲

فردریک وست، بنای ۵۲ ساله مالک و ساکن خانه مرگ به اتهام ارتکاب این جنایات دستگیر شد. روانکاوان متعدد بیشک به دهلزهای ضمیر او خیره خواهند نوشت. اما یک نکته، که بعنوان یک جمله ساده در گزارشات پلیس و خبرنگاران ذکر میشود و میگذرد، به واقعیاتی فراتر از قاتل و دنیای درونی او اشاره میکند: تمام قربانیان این جنایت زن بوده اند.

...و این ما را به آنتونی کندی میرساند.

جنایت از سر "جنون"، همیشه ممکن است وجود داشته باشد. اما آن نوع جنونی که قربانیانش، از خیابان و خانه تا مدرسه و کارخانه، عمدتا زنان هستند، دیگر جنون نیست، بلکه بیان جنون آمیز گوشه ای از عقل حاکم بر جامعه است.

در صفحه ۴ روزنامه تایمز لندن، روز ۹ مارس، و از قضا درست پشت گزارشی در مورد خراشهای ماجرای کرامول استریت بر سیمای دوست داشتنی شهر گلاستر، مطلبی در مورد تحولات مهم اخیر در کلیسای انگلستان و نمونه ای از اصطکاکهای درونی آن چاپ شده است. قهرمان ماجرا حضرت اقدس آنتونی کندی سر کشیش لاتون و توابع است. کلیسای انگلستان (که حدود ۵۰۰ سال قبل از کلیسای رم جدا شد) بالاخره در روز ۱۲ مارس، دو دهه پس از تصویب اصل پذیرش زنان به مقام کشیشی در سینود مرکزی اش، ۳۲ زن را در کلیسای اعظم بریستول به این کسوت در آورد. این را البته افکار عمومی در انگلستان، و قبل از همه خود زنان مربوطه، گام مهمی در احقاق حقوق زنان میدانند. یکیشان با

رویداد هولناکی در اوایل مارس انگلستان را بهت زده کرد. در شهر سربریزر و تاریخی گلاستر، که به کافه های دنج و کلیسای بزرگ قرن یازدهمی اش شهرت دارد، خانه ای کشف شد که مدفن اجساد قربانیان قتل های مرموزی در طول بیست و پنج سال گذشته بوده است. تا نیمه مارس ۹ جسد از کف زیر زمین و حیاط خلوت و حمام خانه شماره ۲۵ کرامول استریت، که "خانه مرگ" و "تالار وحشت" لقب گرفته است، کشف شده بود. به تخمین پلیس، برمینای قرآنی نظیر گمشدگان سالهای اخیر در منطقه، این عدد میتواند به ۳۰ برسد.

با هر جسد یکبار دیگر نفس در سینه آنها که در این سالها گمشده ای داشته اند حبس میشود. با هر جسد، ازدحام خبرنگاران و توریستها و مردم کنجکاو که در محل با دوربین و وسائل پیک نیک اطراق کرده اند، انبوه تر میشود. همسایه ها پنجره کرایه میدهند. هرکس به فراخور شغل و تخصصش چیزی میگوید. شهردار گلاستر "مرگ یک شهر" را افسوس میخورد. خبرنگار "علمی" مفتون تکنولوژی راداری مین یاب ارتش در جنگ فالکلند است که اینک ابزار اصلی پلیس در حفاری ها و کشفیاتش است. در حالیکه متخصصین علائم شناسی پلیس در تلاش کشف هویت قربانیان از روی ژن آنها و بازسازی چهره آنان هستند، روانشناسان در تقلا درک مخیله و ذهن قاتلند. کدام جانور، کدام موجود بیمار و در هم پیچیده ای میتواند مرتکب چنین جنایتی شود؟ اینکه عامل این جنایات باید "مریض" بوده باشد تقریبا یک فرض عمومی است. آخر، بقول پزشک قانونی در محاکمه پرونده مشابهی در آمریکا، کسی که قادر به ارتکاب این "قتل های غیر عادی" است چطور میتواند آدم سالمی باشد.

برابری کامل زن و مرد در قلمرو اقتصادی و اشتغال حرفه ای!

زن، در زندگی و مرگ:

از فردریک وست تا آنتونی کندی ...

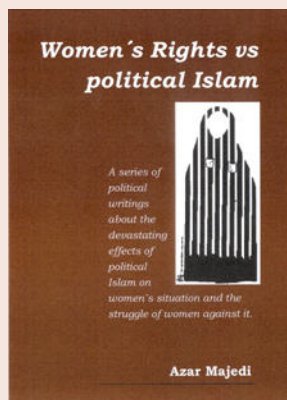
فردریک وست، با جانی خانه مرگ هر که هست، دوزخی است، پلیس میبرد و پنهانش میکند. تا سالها نامش و اعمالش پشت مردم را در خلوتشان میلرزاند. اما آنتونی کندی بهشتی است، میتواند بی هیچ جرح و تعدیلی مسیح را نمایندگی کند، کودکان کوردستانی ما در خیابان به او لبخند میزنند و سلام میکنند، کسی در خانه او دنبال جسدی و در مغزش در جستجوی معمای مخوفی نیست. اما این همان آدم و همان واقعه است.

خشم و نفرین آنتونی کندی کلید حل معمای جنایات گلاستر را بدست میدهد. هر دو مورد باید بعنوان نمونه های جنایتکارانه خشونت علیه زنان و تبلیغ و تطهیر خشونت علیه زنان فهمیده شوند. این خشونت از مغز معلول وست و از دین معیوب کندی سرچشمه نمیگیرد. هر دو آنقدر عقل داشته اند که قربانیان خود را در میان افسار بیحقوق تر جامعه جستجو کنند. منشاء این خشونت، دنیایی است که زن را در هزار و یک راه و رسم و قانون و سنت زمخت و ظریف، قابل ستم و کم ارزش تعریف کرده است. و آگاهانه و عامدانه، و در اغلب موارد به خشونت آمیزترین شیوه ها، راه رهایی زن و خروج او از موقعیت قربانی را سد میکند.

این قرون وسطی نیست. این عصر سرمایه داری است. هرچه با بازار و سود تناقض داشته باشد، دیر یا زود کنار زده میشود. بسیاری از جان سخت ترین افکار و تعصبات و راه و رسمهای کهنه در برابر نیازهای پیش پا افتاده و روزمره تجارت و تولید ور افتاده اند. و لاجرم، اگر زن آزاری و زن ستیزی و تبعیض و خشونت علیه زن هنوز یک واقعیت پابرجای زندگی مردم این عصر است، اگر علیرغم جنبشهای قوی و اجتماعی برای رهایی زن، هنوز ستم جنسی در چهار گوشه جهان حکم میراند، باید حکمتش را همینجا، در همین عصر و در مصالح همین نظام جستجو کرد.

جنایت از سر "جنون"، همیشه ممکن است وجود داشته باشد. اما آن نوع جنونی که قربانیانش، از خیابان و خانه تا مدرسه و کارخانه، عمدتاً زنان هستند، دیگر جنون نیست، بلکه بیان جنون آمیز گوشه ای از عقل حاکم بر جامعه است.

اولین بار در فروردین ۱۳۷۳، آوریل ۱۹۹۴، در شماره ۱۳ انترناسیونال منتشر شد.
مجموعه آثار منصور حکمت جلد هشتم صفحات ۱۷۹ تا ۱۸۲



حقوق زن و اسلام سیاسی

به زبان انگلیسی برای دومین بار به چاپ رسید!

برای دریافت کتاب یا کتابهای مورد نیاز معادل ۱۵۰ کرون سوئد، ۱۵ یورو یا ۲۰ دلار آمریکا "برای هر کتاب" به حساب زیر واریز نموده و مراتب را با پست الکترونیکی به ما اطلاع دهید. ما کتاب یا کتابهای درخواستی را در هر جای دنیا که باشید برایتان پست خواهیم کرد.

اگر پول از سوئد ارسال شود:

نام بانک در سوئد: PlusGiro

شماره حساب در سوئد: 442066-7

اگر پول از کشورهای دیگر ارسال شود:

نام با بانک: NDEASESS

شماره حساب به فرم IBAN: SE55 9500 0099 6018 0442 0667

آدرس الکترونیکی: wshahla.n@gmail.com

زنده باد آزادی زن!